



انترناسیونال

۱۲۲

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۲۳ دی ۱۳۸۴، ۱۳ ژانویه ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

نامه حمید تقوایی
به دبیر کل سازمان ملل
صفحه ۹

اسانلو باید آزاد شود
تظاهرات حزب در خارج کشور
صفحه ۱۰

نامه شهلا دانشفر به اتحادیه ها
نامه خلیل کیوان به اتحادیه ها
صفحات ۸ و ۹

پلاقرم تعرض علیه جمهوری
اسلامی در خارج کشور
صفحه ۸



حمید تقوایی

سازماندهی يك تعرض وسیع در
صفحه ۲

مبارزه کارگران واحد تنها راه پیشروی، اتکا رهبری سندیکا به اعمال اراده مستقیم کارگران است

مبارزه کارگران شرکت واحد به مرحله تعیین کننده ای رسیده است. فردا ۲۴ دیماه آخرین بازداشت شده تعیین کرده اند و مهلتی است که نمایندگان سندیکا برای آزادی کارگران آزاد نشده است. اگر او تا زمان انتشار این نوشته آزاد نشده باشد



ستون اول

محسن ابراهیمی

این بازی پوکر نیست این بازی بازندگی مردم است! در حاشیه جنجال پروژه اتمی جمهوری اسلامی

متعاقب داغ شدن مجدد کشمکش بین جمهوری اسلامی و غرب بر سر مسئله پروژه اتمی جمهوری اسلامی، روزنامه آل پرودیو که در شهر بارسلون اسپانیا منتشر میشود در سرمقاله اش به قلم یک استاد دانشگاه نوشت: "مذاکرات اتمی ایران با اروپا به بازی پوکر شباهت دارد ولی معلوم نیست کی دارد بلوف میزند". اولاً، همین چند سال گذشته نشان داده است که بلوف زنی متقابل جزوی ضروری از روش هر دو طرف برای اخاذی از همدیگر بوده است و ثانیاً باید اضافه کرد که شاید بلوفهای دو طرف به بازی پوکر شبیه باشد، اما این بازی سیاسی با بازی پوکر در میزهای لاس وگاس فرق میکند. در قمارهای لاس وگاس، فقط پولهای باد آورده قماربازان



اصغر کریمی

کارگران شرکت واحد و حداقل دستمزد برای سال ۸۵

حداقل دستمزد توسط کدام مرجع باید تعیین شود؟
حداقل دستمزد چقدر باید
باشد؟
اهمیت و درس های کمپین
حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان
چیست؟
در اسفند سال ۸۳ کارگران
صفحه ۳

مردم فیض آباد به مبارزه خود ادامه میدهند!



نسرین رضانعلی

شهرداری و با همراهی نیروهای
امنیتی جمهوری اسلامی ویران
صفحه ۷

در باره اعتراضات کارگران واحد گفتگو با شهلا دانشفر



اعتراض و مبارزه هستند. این مبارزه تا همینجا انعکاس و تاثیرات بسیار خوبی در ایران و در
صفحه ۵

انترناسیونال: لطفاً پیش از هر چیز خوانندگان انترناسیونال را در جریان آخرین تحولات مویوط به اعتراضات کارگران واحد بگذارید. تا همین الان، کارگران در چه عرصه هایی توانسته اند پیش بروند. کارگران واحد از یکطرف و دولت از طرف دیگر در چه موقعیتی قرار دارند؟

شهلا دانشفر: کارگران شرکت واحد نزدیک به سه هفته است که در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مبارزه کارگران واحد

دستور کار فوری رهبران اتحادیه قرار میگیرد. کارگران تنها میتوانند با قدرتمانی یکپارچه خود آزادی اسانلو را به حکومت تحمیل کنند. راه دیگری وجود ندارد. شکل ویژه این قدرتمانی در این جا مورد بحث نیست. این تعرض میتواند به شکل تححصن در برابر زندان، تجمع و تظاهرات و یا اعتصاب و یا هر شکل دیگر عمل مستقیم کارگری باشد. این را باید خود رهبران سندیکا تعیین کنند. نکته مورد تاکید اینست که برای آزادی اسانلو دست زدن به یک عمل مستقیم و تعرضی از جانب توده کارگران شرکت واحد ضروری است. بدون چنین تعرضی نه تنها اسانلو آزاد نخواهد شد بلکه به احتمال زیاد رژیم به دستگیری های وسیعتری اقدام خواهد کرد و کلا فشار بر کارگران بیشتر خواهد شد. تاکتیک حکومت دفع الوقت و سر دواندن کارگران است. منتظرند تا شور و شوق کارگران فروکش کند و آنها از آسیاب بیافتند و بگیر و ببند گسترده تری را شروع کنند. اقدام تعرضی کارگران باید هر چه سریعتر صورت بگیرد.

نمایندگان اتحادیه از حدود دو هفته قبل روز ۲۴یمه را بعنوان آخرین مهلت تعیین کرده اند. این روز فرا میرسد و باید به سرعت دست به کار شد. اسانلو باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. این یک امر فوری و مبرم است. بل از هر چیز به این دلیل که فرد بیگناهی بزندن افتاده و تحت فشار جسمی و روحی قرار دارد، سلامتی اش در خطر است و همسر و خانواده و دوستانش بشدت نگران وضع سلامتی او هستند. اسانلو باید هر چه زودتر آزاد شود و به آغوش خانواده اش بازگردد. جای اسانلو و اسانلوه در زندان نیست. مجرمین واقعی دستگیر کنندگان امثال اسانلو هستند که باید به زندان بیفتند و حساب پس بدهند.

اما گذشته از جنبه انسانی مساله از نظر منافع کارگران شرکت واحد و کل جنبش کارگری نیز آزادی اسانلو به امر تعیین کننده ای تبدیل شده است. یک خواست پایه ای کارگران واحد که خواست همه کارگران ایران است و اهمیتی سراسری دارد آزادی تشکلهای غیر دولتی کارگری است. دستگیری اسانلو نفی و انکار عملی این

خواست است. رژیم با دستگیری دبیر سندیکای کارگران که در واقع جرم دیگری بجز سازماندهی اتحادیه ندارد اعلام میکند که تشکلهای واقعی کارگران را برسمیت نمیشناسد و فعالینی که در برابر شوراها اسلامی بایستند و دست اندرکار متشکل کردن کارگران بشوند با دستگیری و زندان و پرونده سازی مواجه خواهند شد.

ازینرو آزادی اسانلو امروز به یک پیش شرط اساسی تثبیت سندیکای کارگران واحد و کلا تثبیت عملی حق کارگران برای ایجاد تشکلهای واقعی خود تبدیل شده است. در مورد دیگر خواستههای کارگران واحد نیز این امر صادق است. تا زمانی که اسانلو در زندان باشد خواستههای دیگر کارگران نظیر انعقاد قراردادهای جمعی و افزایش انحلال شوراها اسلامی و افزایش دستمزدها بی پاسخ خواهد ماند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که مبرمیت و فوریت آزادی اسانلو نباید مطالبات اعلام شده دیگر را به حاشیه براند و از دستور خارج کند. این یکی از اهداف حکومت است که همه چیز تحت الشعاع مساله دستگیری اسانلو قرار بگیرد و بعد آزادی او نقطه ختم مبارزه کارگران تلقی شود.

مبارزه کارگران از ابتدا برای خواستههای معین و اعلام شده ای شکل گرفته است و تنها با تحقق عملی همه این مطالبات به نتیجه خواهد رسید. امروز مطالبه اصلی آزادی اسانلو است اما این تنها مطالبه نیست. با آزادی اسانلو کارگران میتوانند و باید از یک موضع تعرضی تر و قدرتمند تر تحقق خواستههای دیگر خود را دنبال کنند. بویژه اعلام صریح و روشن پانصد هزار تومان حداقل دستمزد دارای جایگاه و اهمیت تعیین کننده ای است. فعالین سندیکا در تماس با تلوویزیون انترناسیونال این خواست را عنوان کرده اند و چنین به نظر میرسد که خواست افزایش حد اقل دستمزد به پانصد هزار تومان در میان کارگران شرکت واحد در سطح نسبتاً وسیعی مطرح است. اکنون وقت آنست که این مطالبه علناً و صریحاً از جانب سندیکای کارگران عنوان شود. (در این مورد رجوع کنید به مقاله اصغر کریمی در همین شماره).

سندیکالیسم

و مبارزه حقوقی قانونی

مساله مهم دیگری که بخصوص در برابر مسئولین و رهبران سندیکای کارگران قرار دارد راههای پیشروی و نهایتاً به پیروزی رساندن این مبارزه است. منظور من تصمیمات مشخص و جزئیات عملی کار نیست. سؤال بر سر خط مشی و سیاست ناظر به این نبرد است. یک مشی میتواند تاکید بر صنفی بودن و غیر سیاسی بودن مبارزه و محدود ماندن به چارچوب قانونی- حقوقی و با برسمیت شناختن ضروریات و نیازهای کارکرد سرمایه داری باشد. شیوه ای که اساساً سندیکالیسم، و نه لزوماً همه سندیکاهای، در همه جای دنیا با آن شناخته میشود. قصد من در اینجا نقد محدودنگری و سترونی سندیکالیسم نیست. (حزب آثار منتشر شده متعددی در این زمینه دارد. بویژه مصاحبه منصور حکمت در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر، جلد ششم مجموعه آثار تحلیل درخشانی از موقعیت سندیکالیسم و جنبش سندیکائی بدست میدهد). آنچه در اینجا میخواهم تاکید کنم این نکته است که سندیکالیسم در نظامهای عقب مانده سرمایه داری نظیر جمهوری اسلامی، و یا قبل از آن در حکومت شاه، ابزار کارا و موثری نیست و لذا زمینه رشد و جذب توده های کارگر را ندارد. حتی اگر در این نظامها سندیکا بتواند تشکیل بشود، نمیتواند با شیوه های سندیکالیستی، یعنی اساساً محدود ماندن به چارچوب حقوقی- قانونی و مبارزات صنفی، در هیچ سطحی موفق شود و حتی به همان اهداف صنفی اعلام شده خود برسد. مبارزه حقوقی- قانونی در جامعه ای موضوعیت دارد که حد اقلی از حقوق شهروندی کارگران، و کل مردم جامعه، رسمیت قانونی داشته باشد و از جانب کارفرمایان و دولتشان رعایت شود. در جمهوری اسلامی بی حقوقی و بی قانونی مطلق حاکم است! با دولتی که در قبال مطالبات بر حق و صنفی و حتی قانونی کارگران خود را ملزم به رعایت هیچ قانون و حقوقی نمینماید و با بلند شدن اولین فریاد اعتراضی با سرکوب و بگیر و ببند به سراغ کارگران میرود نمیتوان صرفاً در عرصه قانونی- حقوقی مقابله کرد. این خود دولت

است که وجود خود، یعنی مساله قدرت سیاسی، را به مساله هر مبارزه صنفی کارگران تبدیل میکند و کارگران را در عرصه سیاست به چالش می طلبد.

مبارزه جاری کارگران واحد از این نقطه نظر نمونه گویائی است. سندیکای کارگران واحد که بالغ برهشت هزار عضو رسمی دارد، و علیرغم حتی همین قوانین ارتجاعی موجود از جانب دولت برسمیت شناخته نشده است، خواستههای معینی را مطرح میکند که باز بنا بر همین قانون کار سوپر ارتجاعی موجود همه قانونی اند، و آنوقت پاسخ حکومت چیست؟ دستگیری رهبران و فعالین اتحادیه! اگر در هر کشور غربی این اتفاق میافتاد کل جامعه بر می آشفت و کارگران و مردم دولت مربوطه را در عرض یک هفته بزیر میکشیدند. اما ظاهراً در جامعه اختناقزده ایران چنین انتظاری نایبجاست! گوئی در جامعه ما خواست برکناری دولت بخاطر دستگیری کاملاً بی دلیل و غیر قانونی رئیس یک اتحادیه امری غیر مدنی است و ورود به عرصه "غیر مجاز" سیاست، عرصه ای که گویا برای جنبش کارگری منطقه ممنوعه است، تلقی میشود! نه تنها مقامات حکومت بلکه نیروهائی هستند که خود را اپوزیسیون مینامند و چنین تصوراتی دارند. نیروهائی که همیشه مردم را از فراتر رفتن از "نافرمانی مدنی" بر حذر داشته اند امروز بر صنفی و قانونی بودن مبارزه کارگران واحد تاکید میکنند و مدام تذکر میدهند که این مبارزه سیاسی نیست و کارگران را از سیاسی شدن بر حذر میدارند!

برای این نوع توصیه ها و هشدارها کمی دیر شده است! بیش از دو دهه است که حکومت اسلامی هر حرکت و فریاد حق طلبانه ای را، هر اندازه هم که صنفی و مدنی و قانونی، با سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده است. این حکومت در هم شکننده شوراها و واقعی کارگران و به گلوله بستن کارگران خاتون آباد و نسل کشی تابستان ۶۷ و قتلهای زنجیره ای است. نفس وجود چنین حکومتی و برخورد سرکوبگرانه آن به هر حرکت حق طلبانه ای به اعتراضات و مبارزات مردم خصلتی سیاسی میدهد. در برابر چنین حکومتی برحذر داشتن کارگران از مبارزه

سیاسی و محدود نگاهداشتن مبارزات صنفی به چارچوب قانونی و نافرمانی مدنی خود عین نامدنیست است.

در این شرایط محدود کردن مبارزه به چارچوب قانون عملاً بجزتمکین به فعال میاشانی و سرکوبگری دولت معنی دیگری ندارد. این شیوه ها نه تنها راه بجائی نمیبرد بلکه عملاً موجب بقا و تثبیت حکومت سرکوبگر میشود. عملاً نیز ریشه این نوع سیاستهای محافظه کارانه در برخورد به جمهوری اسلامی نیروهای جنبش ملی- اسلامی و یا نیروهای سلطنت- جمهوریخواهی هستند که اساساً هدف سیاسیشان برانداختن انقلابی جمهوری اسلامی نیست. سیاستها و اهداف این انواع اپوزیسیون با شیوه های صنفی- حقوقی سندیکالیستی در جنبش کارگری منطبق میشود و این شیوه ها را در خدمت اهداف سیاسی خود بکار میگیرد. بعبارت دیگر ریشه گرایش قانونگرا در جنبش کارگری ایران سندیکالیسم و سیاست گریزی سندیکالیستی نیست، بلکه بر عکس سیاست معینی است، سیاست نوع دو خردادی برای حفظ پایه های نظام جمهوری اسلامی!

از لحاظ ابژکتیو و شرایط واقعی کار و مبارزه کارگران نه سندیکالیسم و نه سیاستهای نوع دو خردادی در میان کارگران و در جنبش کارگری نمیتواند رشد چندان داشته باشد. سیاستهای رفرمیستی در برابر حکومتی که تحمل کمترین رفرمها را ندارد همیشه منزوی و در حاشیه جامعه باقی خواهد ماند.

سندیکا، مبارزه کارگران واحد و حزب

ابتدا باید بر این تاکید کرد که نقد ما بر سندیکالیسم به معنی مخالفت ما با تشکیل سندیکا و یا حتی نقد هر تشکل سندیکائی نیست. سیاست عمومی و محوری حزب ما برای سازماندهی توده ای طبقه کارگر، بنا به دلایل و شرایطی که رئیس آن در بالا توضیح داده شد، مجمع عمومی و شورا است. ما معتقدیم در شرایط عمومی سیاسی جامعه ما ویا توجه به ویژگیهای جنبش کارگری، مجمع عمومی و شورا مناسب ترین و عملی ترین و کارا ترین تشکل توده ای برای تحقق

صفحه ۴

از صفحه ۱ کارگران واحد و حداقل دستمزد

کاشان دست به ابتکار و اقدام مهمی زدند. ۳۰۰۰ نفر از کارگران ریسندگی و بافندگی و چند کارخانه دیگر این شهر طوماری با خواست حداقل دستمزد نباید کمتر از ۴۵۰

هزار تومان باشد امضا کردند. هیئتی از نمایندگان کارگران این طومار را به اداره کار برد و یک کپی از آن نیز رسماً برای ریاست جمهوری و وزارت کار و برخی ارگانهای دیگر جمهوری اسلامی ارسال گردید. اقدام کارگران

کاشان مورد حمایت بسیاری مراکز دیگر قرار گرفت و بتدریج حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان به خواست بخشی از طبقه کارگر تبدیل شد.

کارگران یخچال و فریزرسازی فیلمور در تهران، ۶۰۰ نفر از کشتی سازی

صدرا در بهشهر، ۱۶۰۰ نفر از پتروشیمی ماهشهر، ۱۶۰ نفر از پتروشیمی بیستون، کارگران برق و فلزکار و نیز ۶۰۰ نفر از کارگران

کرمانشاه، ایران خودرو، اقدام دسته جمعی ۳۰ نفر از پنج کارخانه در

تهران، جمعی از کارگران پالایشگاه اصفهان، نساجی کردستان و شاهر در

سنندج، در قطعنامه های اول مه در تبریز و اهواز و چند شهر دیگر، در راهپیمایی اول مه کارگران در

سنندج، بخشی از تحرکی را نشان میدهد که در طول سال ۸۴ در

شهرها و مراکز مختلف در جریان بوده است. این اقدامی بسیار مهم در

جنبش کارگری به شمار میآید و تاثیر خود را از یکطرف بر بخشهای

وسیع ای کارگران، سطح توقع و انتظار آنها و ضرورت بدست گرفتن

ابتکار در این زمینه و نیز بر مباحث امسال ارگانهای مختلف رژیم

درمورد موضوع حداقل دستمزدها باقی گذاشته است. برای اولین بار در جنبش کارگری در ایران کارگران

مراکز صنعتی به میدان میایند و متحد و یکصدا خواهان حدود ۳۵۰ درصد افزایش حداقل دستمزدها میشوند. جا دارد درمورد اهمیت این کمپین توضیحات بیشتری بدهم:

در سها و اهمیت کمپین حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان:

۱- برای اولین بار بخشی از طبقه کارگر ایران رقمی را به عنوان دستمزد طرح میکند و مقابل دولت میگذارد. این را به شوراهای

اسلامی و خانه کارگر و شورایی کار نمیسپارد. بعنوان یک مرجع دیگر وارد میدان میشود و مستقلاً حرف میزند. طبقه کارگر با اینکار در این حرکت نمایندگی شد. این نه

کارفرما و دولت و ارگانهای دست ساز حکومت بلکه خود کارگران هستند که باید میزان افزایش دستمزدی که میخواهند را تعیین کنند. در کمپین ۴۵۰ هزار تومان این

اتفاق افتاد و بخشی از طبقه کارگر با این کمپین اعلام کردند که این ما

هستیم که رقم مورد توجه کارگران را در مقابل دولت و کارفرما تعیین میکنیم. و این رسم همه کشورهای

است که طبقه کارگر از نوعی تشکل توده ای برخوردار است، حتی اگر این

تشکلها را دیالک نباشند. نیروی کار یک کالا است و مثل هر کالای

دیگری باید فروشنده آن یعنی خود کارگر آنرا قیمت گذاری کند. و حال

که جمهوری اسلامی طبقه کارگر را از حق تشکل آزاد و مستقل محروم کرده است و طبقه کارگر فاقد یک

سازمان سراسری است که آنها را در مبارزه برای دستمزد نمایندگی کند،

این حرکت طرح شد و سطح توقع بالاتری را در مقابل جامعه به نمایش گذاشت. خود این نیز به نوبه خود شورای اسلامی را بیشتر بی ربط به کارگران و مدافع دولت و کارفرما نشان داد. در قطعنامه کارگران گفته شده بود که دستمزدها برای یک

زندگی معمولی باید از یک میلیون بیشتر باشد اما در قدم اول ۴۵۰ هزار تومان را طرح میکنیم. و این یک واقعیت است. اجاره یک خانه پنج

اطاقه متوسط برای یک خانواده پنج نفره در تهران و شهرهای بزرگ کمتر

از ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان نیست. به اجاره خانه، هزینه های سوخت، تغذیه مناسب، پوشاک، درمان،

تحصیل بچه ها، حمل و نقل و تفریح و غیره را نیز اضافه کنید مطمئناً از

یک میلیون تومان بسیار بیشتر خواهد شد. ۵۰۰ هزار تومان در مرز

خط فقر است. اما همانطور که حقوق مفتخوره های نماینده مجلس و

مدیران و مقامات و غیره با خط فقر مقایسه نمیشود، حقوق بخش تولید کننده جامعه نیز مطلقاً نباید با خط

فقر مقایسه شود. سال قبل کارگران کاشان رقمی تعیین کردند و امسال کارگران واحد بر ۵۰۰ هزار انگشت

میکند. هیچ فرمول و عبارتی دیگری را نمیتوان جای تعیین یک رقم مشخص گذاشت. کارگر در مبارزه برای افزایش دستمزد و در اعتصاب و مذاکره باید عددی تعیین کند و تنها با این کار است که میتواند نیروی خود را بسیج کند،

در مبارزه برای افزایش دستمزد هیچ فرمول و عبارتی دیگری را نمیتوان جای تعیین یک رقم مشخص گذاشت. کارگر در مبارزه برای افزایش دستمزد و در اعتصاب و مذاکره باید عددی تعیین کند و تنها با این کار است که میتواند نیروی خود را بسیج کند، یک حرف و یکصدا شود و قدرتمند به میدان بیاید. راه دیگری ندارد.

یک حرف و یکصدا شود و قدرتمند به میدان بیاید. عبارات کلی که دستمزد باید افزایش یابد هیچ مشکلی را حل نمیکند. حتی دولت

هم میپذیرد که دستمزد باید افزایش یابد، شورای اسلامی هم همینطور.

عبارت افزایش دستمزد متناسب با تورم هم چیز خاصی نمیکند. تورم

در سال گذشته ۲۰ درصد، ۳۰ درصد یا ۵۰ درصد بوده است. اما

افزایشی در این چهارچوب حتی کمتر از چیزی است که الان شوراها

اسلامی و خانه کارگریها میگویند. این زمانی صدق میکند که در

سالهای قبل تر درمورد دستمزد پایه، نظر سازمانهای واقعی کارگران

تأمین شده باشد و سال بعد متناسب با تورم و نه فقط تورم، که در عین حال متناسب با افزایش

استانداردهای زندگی و رشد توقع بشر از یک زندگی بهتر افزایش یابد.

چون قرار نیست کارگر مثل قبل زندگی کند. بازدهی کار کارگر و انتظارات بشر از زندگی رشد کرده است و در مبارزه برای افزایش دستمزد باید به این نکته مهم توجه کرد. اما بهررو در شرایطی مثل ایران که دستمزدها یک چهارم خط فقر هم نیست، و کارگران تاکنون هیچ نقشی در تعیین دستمزد و مذاکرات حول آن نداشته اند، فرمول افزایش دستمزد متناسب با تورم، که خود میزان دقیق این تورم را هم کسی نمیداند، هیچ چیز مشخصی به کسی نمیگوید. مگر کسی تورم در ۲۷ سال گذشته را حساب کند، و ارتقاء زندگی را هم به آن اضافه کند که اینکار برای داشتن تصویری از عقب

گذاشته اند. تردیدی در این نیست که درصورت بسیج نیرو برای تحقق آن، سال آینده رقمی بسیار بالاتر تعیین خواهند کرد. مهم این است که توده وسیعتری از کارگران حول آن بسیج شوند، به نیرو و توان واقعی خود پی ببرند تا زمینه بسیج آنها حول دستمزد بسیار بالاتر نیز ایجاد شود.

۳- کارگران یک رقم مشخص تعیین کردند و این شاید مهمترین جنبه این کمپین بود. هیچ اتحادیه

کارگری درمورد دستمزد نمیگوید که بطور کلی باید افزایش یابد، بلکه درصد مشخصی از افزایش یا رقم مشخصی بعنوان دستمزد پایه را تعیین میکنند و حول آن مذاکره

نشیننی که به کارگر تحمیل شده است مفید است اما این مبنای روشنی به کارگر نمیدهد. با توجه به این فاکتورها، در شرایط کنونی، تعیین یک رقم مشخص از طرف کارگران هم ساده ترین راه و هم تنها راه یک مبارزه جدی بر سر افزایش دستمزد است. یک عدد مشخص نمیتواند

توده گیر شود، حول آن اتحاد ایجاد شود، میتوان کارگران مراکز کارگری را به حرکت درآورد، بسیج کرد، پای اعتصاب رفت، به مذاکره نشست و

چانه زد. در غیر اینصورت باید صبر کرد تا دولت و کارفرما دستمزدها را

تعیین کنند و کارگران ناراضیاتی خود را اعلام کنند و از شرایط بسیار عقب باشند و سال بعد عین همین

مساله تکرار شود. اما کارگران در سال ۸۴ قدم

مهمی به جلو برداشتند. همین جا باید از کارگران کاشان و سایر

مراکز که پرچم کارگران کاشان را بلندتر نگاه داشتند، عمیقاً قدردانی

کرد و قدم بعدی را برای پیش رفتن و گذاشتن فشار بسیار قدرتمندتر روی

کارفرما و دولت روشن کرد. این اقدام کارگران را برای مبارزه

حول افزایش دستمزد برای سال ۸۵ درموقعیت بهتری قرار داد. اینک

یکی از مسئولین خانه کارگر اکنون از حداقل دستمزد ۴۰۰ هزار تومان

حرف میزند و یکی از مقامات بحث ۲۵۰ هزار تومان را پیش کشیده

است، بی شک یک دلیل مهم آن کمپین ۴۵۰ هزار تومان است. اکنون

کارگران مینائی دارند که هر سال میتوانند روی آن بسازند و جلو بروند. نقش بخشهای پیشرو جنبش کارگری

و فعالین کارگری این است که در چنین شرایطی گام بعدی خود را برای پیشروی بیشتر و بسیج بیشتر جنبش کارگری و ایجاد اتحاد عمیقتر و

گسترده تر در جنبش کارگری روشن کنند و خود را برای آن آماده کنند. از کمپین ۴۵۰ هزار تومان، چه از نظر شکل و چه دامنه آن باید فراتر رفت و گامهای مهمی به جلو برداشت.

نقش کارگران شرکت واحد تهران:

کارگران شرکت واحد خواهان حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان هستند. بخش قابل توجهی از فعالین کارگری در شرکت واحد، بطرق مختلف این خواست مهم خود را خواست خود میدانند و بعضاً از طریق اعلام آن در

از صفحه ۲ مبارزه کارگران واحد

اطلاعیه شماره ۳۸

رودروئی کارگران شرکت واحد با جمهوری اسلامی ادامه دارد کارگران تصمیم به تشکیل مجمع عمومی گرفتند

مطالبات و خواستههای صنفی و سیاسی کارگران است. اما در عین حال حمایت از هر نوع تشکل مستقل کارگری نیز یک جزء همیشگی سیاست ما بوده است. حزب همچنین خواهان آن است و میکوشد تا اتحادیه و هر نوع تشکل کارگری به قدرت توده کارگران و اعمال رای و اراده مستقیم آنان متکی شود. (رجوع کنید به "قطعنامه درباره تشکلهای توده ای طبقه کارگر، شورا، مجمع عمومی، سندیکا" که در آخرین شماره جوانان کمونیست، شماره ۲۲۸، مجدداً بچاپ رسیده است).

در برخورد به مبارزه کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان، حزب ما همین خط مشی را دنبال میکند. ما از این مبارزه فعالانه حمایت میکنیم و با تمام توان و امکاناتمان تلاش میکنیم به پیروزی برسیم. حزب ما توانسته است با پوشش خبری دادن به این مبارزه و انعکاس مطالبات و کارگران و جلب حمایت کارگران و بخشهای دیگر جامعه در ایران و خارج کشور تا همیجا نقش موثری در پیشبرد مبارزه داشته باشد و بخصوص از طریق تلویزیون انترناسیونال عملاً به مرجع و نقطه اتکا و تربیون و سخنگوی کارگران واحد تبدیل شود. از این نظر نیز مبارزه کارگران واحد نمونه برجسته و گویائی از در هم تنیده شدن و همدوش هم پیشرفتن مبارزه "صنفی" و جاری کارگران و حزب سیاسی آنان است. این نمونه گویائی از این واقعیت است که در زندگی واقعی و در جریان زنده مبارزه جنبه های صنفی و سیاسی مبارزه و تشکل حزبی و توده ای کارگران کاملاً به هم مرتبط اند و هیچ دیوار چین و خط فاصل غیرقابل عبوری میان آن ها وجود ندارد.

در این نبرد مشخص سندیکای واحد و توده کارگران و حزب در کنار یکدیگر و در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. از نقطه نظر این نیروها این نبرد تنها با آزادی اسانلو، انحلال شورای اسلامی آزادی تشکلهای کارگری

مستقل از دولت و مشخصاً برسیمت شناخته شدن سندیکای کارگران شرکت واحد، انعقاد قرارداد جمعی، افزایش دستمزد و تحقق دیگر مطالبات اعلام شده کارگران به فرجام خواهد رسید. سؤال اساسی اینست که به چه شیوه ای میتوان به این اهداف دست یافت. این سئوالی است که در برابر هیات مدیره سندیکا قرار دارد.

همان طور که در ابتدای نوشته تاکید شد اساس مشی رهبری مبارزه کارگران واحد باید اتکا به توده های کارگر و متحد و آماده و در میدان نگاهداشتن آنان برای مقابله با تاکتیک دفع الوقت جمهوری اسلامی باشد. این آمادگی در میان رانندگان و کارگران شرکت واحد در سطح بالائی وجود دارد. عکس العمل کارگران نسبت به اظهارات قالیباف در تجمع استادیوم آزادی نشان دهنده این واقعیت است. حزب ما تردیدی ندارد که تنها با اتکا به این نیروی آماده و بمیدان کشیدن آن میتوان مبارزه را به پیش برد و به پیروزی رساند. امیدواریم، و تلاش میکنیم، هیات مدیره و فعالین سندیکا نیز در این زمینه با حزب هم نظر باشند.

من این نوشته را با تاکید بر اتکا به قدرت کارگران و ضرورت اعمال اراده مستقیم آنان و بویژه دست زدن به یک عمل اعتراضی گسترده در روز شنبه ۲۴ دیماه که مهلت هیات مدیره سندیکا برای آزادی منصور اسانلو به سر میرسد آغاز کردم. در این فاصله اتفاق تازه ای افتاده است. یکی از اعضای هیات مدیره سندیکا در تماس با برنامه زنده تلویزیونی انترناسیونال که همین چند ساعت قبل پخش شد اعلام کرد که فردا (جمعه ۲۳ دیماه) مجمع عمومی کارگران واحد تشکیل خواهد شد. من امیدوارم این فرصت و امکانی باشد برای سازماندهی یک حرکت اعتراضی قوی برای آزادی منصور اسانلو. روز ۲۴ دیماه نقطه عطفی در اعتراضات کارگران واحد خواهد بود. سندیکا و حزب باید با تمام توان خود به استقبال این روز بروند. *

در اطلاعیه شماره ۳۵ اطلاع دادیم که جمهوری اسلامی مانع تشکیل مجمع عمومی کارگران شرکت واحد برای انتخاب بازرسین تعاونی مصرف شد. طبق گزارشی که امروز بدستمان رسیده است، کارگران در مقابل این اقدام رژیم تصمیم گرفتند فردا ساعت ۹ صبح در خیابان هنگام در مسجد ثاراله مجمع عمومی خود را برای انتخاب بازرسین تعاونی مصرف برگزار کنند. کارگران تصمیم دارند چنانچه جمهوری اسلامی مانع تشکیل مجمع عمومی شود، دست به تجمع اعتراضی بزنند. تجمع فردا گوشه ای از رویارویی کارگران و جمهوری اسلامی است.

در اطلاعیه شماره ۳۵ به دستگیری دو نفر از کارگران بنام جواد کفایتی و ابراهیم گوهری در روز ۲۰ دیماه اشاره شده بود. طبق گزارشی که امروز دریافت کردیم، تنها ابراهیم گوهری دستگیر شده بود که بدینوسیله خبر قبلی تصحیح میشود. جرم ابراهیم گوهری جمع

آوری امضا برای آزادی اسانلو است! لازم به یادآوری است که دو هفته مهلت برای رسیدگی به خواستههای کارگران شرکت واحد و از جمله آزادی اسانلو روز شنبه ۲۴ دیماه پایان می یابد. کارگران قبلاً اعلام کرده بودند که چنانچه تا این تاریخ به خواستههایشان رسیدگی نشود دست به اقدامات گسترده تر خواهند زد. تا این تاریخ سندیکای کارگران شرکت واحد تصمیمات بعدی خود را اعلام نکرده است.

حزب کمونیست کارگری، کلیه کارگران و کارکنان شرکت واحد را به اتحاد هرچه بیشتر و پافشاری بر خواستههای بحق خود و آمادگی برای یک اعتصاب قدرتمند فرامیخواند. حزب کلیه کارگران و کارکنان شرکت واحد را فرامیخواند که در مجمع عمومی فردا شرکت کنند و در آنجا از جمله در مورد ادامه مبارزه و تاریخ اعتصاب بعدی تصمیم بگیرند. جمهوری اسلامی تلاش میکند با وعده و وعید و اذیت و آزار کارگران از جمله دستگیری فعالین آنها

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۳۸۴، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۶

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

Tel: 0044- 779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

تولیزویون در این دارد به سمت این ماهواره میچرخد. مدت‌هاست که از کانال جدیدی با عنوان تولیزویون که دارد از رهایی بشر و از حقوق انسانها سخن میگوید صحبت میشود. در همین برنامه مستقیم تولیزویون ویژه حمایت کارگران شرکت واحد بود که این کارگران روی خط آمدند و مشکلات و خواسته‌هایشان را طرح کردند و اعتراضشان را نسبت به سانسور اخبار مبارزاتشان از سوی جمهوری اسلامی اعلام کردند. اعلام کردند که اخبار مبارزات آنها حتی از سوی بسیاری از جریان‌ها وابسته به اپوزیسیون نادیده گرفته میشود. اما نکته‌ای که باید اشاره کنیم اینست که کار این تولیزویون فقط انعکاس خبر نبوده است. این تولیزویون توانسته است با انعکاس اخبار اعتراضات کارگران هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی به یک همبستگی گسترده با مبارزات کارگران شرکت واحد و هر حرکت و اعتراض دیگری که بوده شکل دهد. این تولیزویون به درجه‌ای که در جریان دقایق اعتراض و مبارزه کارگران و مردم در بخش‌های مختلف قرار گرفته است، تلاش کرده، با روشن کردن همه گوشه و زوایای این اعتراضات و با افشای سیاست‌های رژیم و فراخواندن کل جامعه به حمایت و پشتیبانی از مبارزات یکدیگر نقشی هدایت‌کننده در به جلو بردن اعتراضات را داشته باشد. طبعاً برنامه کارگران و یک دنیای بهتر که من تهیه کننده آن هستم برنامه‌ای است از کانال جدید که تلاش داشته همین نقش را ایفا کند و به نظر من تا همین جا موفق بوده است. این را از گسترش تماس‌های کارگران با این برنامه، از اخبار و گزارشاتی که برای آن ارسال میشود، میتوان احساس کرد. در تماس با این برنامه کارگران زنگ میزنند و برای پیشبرد مبارزاتشان رهنمود میخواهند، زنگ میزنند و خواهان مصاحبه تولیزویون و منعکس کردن خواسته‌ها و مسایلشان از این برنامه میشوند. این تماس‌ها که هر روز نیز بیشتر میشود نشان دهنده اینست که این برنامه توانسته به مسایل گری کارگران بویژه بخش فعال و رادیکال آن پاسخ دهد.

انترناسیونال: نقطه ضعفها و نقطه قدرتهای اعتراض کارگران واحد چه

ها بوده‌اند؟

صفحه ۶

اعتصابشان است. بنابراین راه تقابل با شگردهای تفرقه افکنانه رژیم برای کارگران چیزی جز اتکا به قدرت و اتحاد خودشان نیست. اگر قالیباف مجبور شد که بیاید در میان کارگران وعده و وعید دهد در نتیجه اجتماع ۵۰۰۰ نفره آنها و اعتصاب قدرتمند آنها بود. رژیم آنجا وعده و وعید داد تا اولاً کارگران را متفرق کند و ثانیاً به جای اینکه آنها متکی به قدرت اعتراض متحدشان، خواسته‌هایشان را پیگیری کنند، در انتظار مذاکرات بالا بمانند و با سردواندن و انتظار در کربدورهای اداره کار مبارزاتشان به فرسودگی کشیده شود. برای مقابله و خنثی کردن این شگردها، باید کارگران تنها به نیروی متحد صفوف خود متکی شوند. باید کارگران با ادامه تجمع‌اتشان در مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب خواهان آزادی فوری اسانلو شوند. رژیم تلاش دارد با در زندان نگاه داشتن اسانلو کارگران را از خواسته‌هایشان عقب براند. باید کارگران در مقابل این سیاست، نه تنها خواهان آزادی اسانلو شوند بلکه بر خواسته‌های خود پای بمانند. بویژه اکنون که آخر سال است و بحث بر سر افزایش دستمزد داغ است. اکنون که در میان کارگران شرکت واحد بحث بر سر ۵۰۰ هزار تومان دستمزد است. این کارگران شرکت واحد میتوانند باشند که با پرچم مبارزه برای خواست افزایش دستمزد ها جلو بیفتند و بقیه کارگران و بخش‌های دیگر جامعه معلمان، پرستاران، کارگران بیکار همه و همه پشتشان به صف شوند.

انترناسیونال: نقش تولیزویون انترناسیونال و "برنامه کارگران و یک دنیای بهتر" در کانال جدید در تقویت مبارزه کارگران واحد چگونه بوده است؟ انتظار کارگران واحد از این برنامه‌ها چیست؟

شهاب دانشفر: امروز دیگر بر هیچ کس نقش تولیزویون انترناسیونال و کانال جدید پنهان نیست. این را ما در اعتراض کارگران نساجی کردستان، نساجی شاهر، اعتراضات معلمان، پرستاران دیدیم و امروز در مبارزه کارگران شرکت واحد داریم بوضوح میبینیم. این تنها تولیزویون و رسانه‌ای است که براساسی منعکس کننده صدای اعتراض کارگران و کل جامعه است و این را مردم در سطح وسیعی فهمیده‌اند و هر روز بیشتر آنتن‌های

یکسو و دولت از سوی دیگر امروز در چه وضعیتی بسر میبرند.

انترناسیونال: دولت برای مقابله با کارگران واحد و عقب راندنشان بیشتر از چه روشها و تاکتیکهایی استفاده کرده است و میکند. برای مقابله با این روشها کارگران تا چه حد توانسته‌اند مقابله کنند و برای خنثی کردن این روشها چه باید کرد؟

شهاب دانشفر: بعد از تهاجم رژیم به سندیکی کارگران شرکت واحد و دستگیری فعالین آن، رژیم با عکس العمل شدیدی از جانب کارگران شرکت واحد روبرو شد. اعتصاب ۴ دیماه و تجمع ۵۰۰۰ نفره آنان در منطقه ۶ رژیم را به هراس انداخت. اما بلافاصله قالیباف به جمع کارگران آمد و تلاش کرد با وعده و وعید دادن برای رژیم وقت بخرد. این یک روش همیشگی رژیم است برای عقب راندن اعتراضات کارگری. با این کار در لحظه‌ای که اعتراض کارگران گرم است و جریان دارد، رژیم تلاش میکند تا با وعده و وعید دادن و سردواندن کارگران، آتش اعتراض آنان خاموش کند و با وقت خریدن برای خود صف متحد کارگران را متفرق کند. این تلاشها برای عقب راندن اعتراض کارگران و شروع تهاجم بعدی به آنان است. حال در اعتراض کارگران شرکت واحد میبینیم که کارگران خواهان آزادی اسانلو میشوند، رژیم آنها را به طی شدن راه‌های قانونی پرونده ارجاع میدهد. کارگران خواسته‌هایشان را طرح میکنند به آنها وعده ۱۵ روزه داده میشود. بعد از آنهم ۱۵ روز دارد به پایان میرسد و اسانلو هنوز در زندان است و خواسته‌های کارگران هم پاسخ نگرفته است.

واقعیت اینست که اعتراضات کارگران شرکت واحد برای دولت اهمیت سیاسی بسیاری دارد. پیروزی این اعتراضات کل کارگران در ایران را در موقعیتی قرار میدهد که برای رژیم بدست به یک زور آزمایی زد، اما در برابر این زور آزمایی جواب دندان شکنی گرفت و همانطور که گفتم اکنون در موقعیت بسیار ضعیف تری قرار دارد. بویژه همه این اتفاقات در متن اوضاع پرتب و تاب جامعه اتفاق می افتد. بدنبال اتفاقاتی روی میدهد که ما شاهد برپایی ۱۶ آذر و قطعنامه دانشگاه در ۲۰ آذر بودیم که پیام مردم ایران برای رهایی و سوسیالیسم بود. به همه این فاکتورها انزوای بیش از پیش جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی را اضافه کنید آنوقت میتوان دید دو طرف صحنه کارگران از

از صفحه ۱ گفتگو با شهاب دانشفر

سطح جهان داشته و حمایت‌های وسیعی را به سوی رانندگان و خواسته‌های آنها جلب کرده است. جمهوری اسلامی از همه طرف زیر فشار است که به خواسته‌های کارگران شرکت واحد پاسخ گوید. اما آشکارا نگران اینست که با عملی کردن خواسته‌های رانندگان فضای اعتراضی در جامعه فعالتر شود. این اعتصاب و مبارزه رانندگان شرکت واحد حکومت را دچار یک تناقض و سرگیجه ساخته است. بهر حال کارگران شرکت واحد هنوز نه تنها به خواسته‌هایشان یعنی خواست حق تشکل و به رسمیت شناختن سندیکی‌شان، خواست انحلال شوراهای اسلامی و خواست قراردادهای دسته جمعی و نیز خواست افزایش دستمزدها نرسیده‌اند بلکه در زندان ماندن منصور اسانلو سخنگوی سندیکی‌های شرکت واحد عملاً تهدیدی شده بر سر سندیکیا و فعالین آن و بر روی اعتراضات کارگران. از جمله همین روز گذشته یک نفر از کارگران شرکت واحد به اسم ابراهیم گوهری که برای آزادی منصور اسانلو از زندان به جمع کردن امضا و جلب حمایت دست زده بود، دستگیر و بعد آزاد شد و قرار است به دادگاه احضار شود. همچنین پرونده هفت نفر از اعضای سندیکیا که در همان یورش اول دستگیر شدند در جریان است و تا کنون بخاطر اعتراض کارگران متوقف مانده است. بطور واقعی یک کشاکش در جریان است و کارگران اولتیماتوم داده‌اند که اگر تا روز شنبه ۲۴ دی یعنی موعدی که قالیباف وعده عملی کردن خواسته‌هایشان را داده بود، به خواسته‌های آنها پاسخ داده نشود و اسانلو از زندان آزاد نگردد دست به اقدامات گسترده تر و اعتصاب وسیعتری خواهند زد.

در مورد اینکه کارگران هم اکنون در چه عرصه‌هایی جلو آمده‌اند، همانطور که اشاره کردم به روشنی پاسخ من اینست که نفس برپایی یک اعتصاب بزرگ و با شکوه در ۴ دیماه خود یک پیشروی مهم نه تنها برای کارگران شرکت واحد بلکه برای کل کارگران بود. اعتصاب کارگران شرکت واحد گوشه کوچکی از قدرت کارگران را به نمایش گذاشت و نشان داد که اهرم اعتصاب چه اهرم قدرتمندی است که طبقه کارگر در

از صفحه ۵ گفتگو با شهلا دانشفر

شهلا دانشفر: در مورد جنبه هایی از نقطه قوت‌های اعتراضات کارگران شرکت واحد قبلاً توضیح دادم. همانطور که بالاتر هم اشاره کردم اولین نقطه قوت این اعتراضات دست بردن به ابزار اعتصاب و برپایی اجتماع ۵۰۰۰ نفره در منطقه ۶ تهران در همان شب اعتصابشان و بدنبال آن تبدیل فراخوان قالیباف در استادیوم ورزشی آزادی به صحنه اعتراض و بیان خواسته‌ها و مطالباتشان بود. بدنبال این اعتراضات بود که کارگران نتوانستند تعدادی از اعضای هیات مدیره سندیکای خود را از زندان آزاد کنند. و در واقع این اعتراضات و بویژه اعتصاب روز ۴ دی آنها بود که امروز کارگران شرکت واحد را در چنین موقعیتی قوی ای قرار داده است. در این حرکات اعتراضی کارگران نیروی واقعی خود را بازیافتند. علاوه بر نقطه قوت این مبارزه اینست که دارد در تهران یعنی قلب ایران پیش می‌رود. و علاوه بر این مردم در ارتباطند. همین فاکتور باعث میشود که اعتصاب و مبارزه رانندگان مثل بمب در ایران و جهان صدا کند.

نقطه قوت دیگر مبارزات کارگران شرکت واحد وجود درجه بالایی از اتحاد و همبستگی در مبارزاتشان و سرعت عمل آنان در بسیج نیرو و سازمانیافتگی مبارزه

شان بود و خلاصه اینکه باید به نقش خانواده‌های کارگران در این مبارزات اشاره کرد. روزی که کارگران اعلام اعتصاب کرده بودند و نیروهای رژیم تلاش در شکستن اعتصاب آنان داشتند، نقش خانواده‌های کارگری در به عقب راندن این فشارها و شدت گرفتن اعتصاب چشمگیر بود. اما اگر بخواهم به نقطه ضعف اعتراضات کارگران شرکت واحد اشاره ای داشته باشم، مساله نقش ضعیف مجمع عمومی کارگران در تصمیم گیری هاست. برای مثال ۵ هزار کارگر در شب اعتصاب ۴ دیماه کارگران جمع بودند، این بهترین فرصت برای گرفتن نظر کارگران و متحد کردن صفوف خود برای مبارزه برای آزادی اسانلو و به کرسی نشاندن دیگر خواسته‌ها بود. اما میبینیم که این کار صورت نمی‌گیرد و بدنبال قولهای قالی باف این تجمع تمام میشود بدون اینکه قول و قرار های لازم گذاشته شده باشد. کارگران شرکت واحد با وجود اینکه اعتصاب با شکوهی را پشت سر گذاشته و اجتماع بزرگی برپا کرده بودند، اما به قول شفاهی قالیباف و به وعده ۱۵ روزه او رضایت دادند. اما به تجربه دیده ایم که رژیم هیچگاه به وعده های خود بویژه وعده های شفاهی خود عمل نکرده است. چنین وعده هایی به راحتی زیر پا گذاشته میشود. اگر صف متحد کارگران در صحنه اعتراض مانند، اتفاقا به دلیل

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانی به این حسابها واریز کنی و با از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیری و راهنمایی بخواهی.

شماره حساب ها:

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 639
صاحب حساب
IKK

ایران ارسال میکنید: میتوانی از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنی، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیری تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

ایراد در رهبری این مبارزه و اهمیت کافی ندادن به توده های کارگر بود. و یک درس آموزنده این اعتراضات همین است و اکنون که کارگران میروند تا خود را برای اعتراضی گسترده تر آماده کنند، باید روشن باشد که این بار کارگران باید خواهان کتبی شدن هر گونه قول و تعهدی و اعلام رسمی آن از سوی رسانه های دولتی و رو به جامعه شوند و تلاش شود که تصمیمات به تایید همه کارگران در مجمع عمومی آنها برسد تا تضمین عملی داشته باشد. باید توده کارگران را در لحظات مبارزه دخیل کرد.

نقطه ضعف دیگری که در این اعتراضات میتوان به آن اشاره کرد، تاکید کارگران بر جنبه صنفی و قانونی بودن اعتراضاتشان است. اینکه خواست کارگران خواسته های صنفی است بدیهی و روشن است اما گذاشتن این تاکید پی در پی بر روی آن و تاکید بر اینکه حرکت آنها سیاسی نیست، عملاً کارگران را در موقعیت دفاعی و ضعیفی قرار میدهد. من فاکتور توازن قوا را در تعیین دامنه تحرك مبارزات کارگری متوجه هستم. اما واقعیت اینست که در جامعه ای که حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع به رسمیت شناخته نمیشود هر اعتراض و حرکتی بطور طبیعی غیر قانونی و به این اعتبار سیاسی است. بنابراین تاکید بر اینکه خواسته های صنفی است یا قانونی مشکلی را پاسخ نمیدهد. رژیم با سیاسی خواندن اعتراضات، با پاپوش درست کردن برای فعالین کارگری تحت عنوان وابستگی به فلان جریان و حزب سیاسی تلاش دارد این اعتراضات را سرکوب کند.

جواب این تعرض حکومت قسم خوردن به سیاسی نبودن مبارزه نیست. این کارگر را بیشتر در موضع ضعف و دفاع قرار میدهد. اصلاً نباید وارد این میدان شد. کارگران باید بر خواسته‌ها و مطالباتشان تاکید کنند. اینها همه تلاشی است برای عقب راندن اعتراض کارگر و سرکوب آن و تنها با تعرض است که میتوان به چنین تهاجماتی حمله کرد و آنرا عقب راند. اینهم جنبه دیگری از نقطه ضعف های این اعتراضات است. بطور مثال وقتی صحبت از آزادی اسانلو میشود، صحبت از طی شدن مراحل قانونی آن به میان می آید. در حالیکه سنشال واقعی اینجاست که مگر اسانلو و یا فلان

رهبر و فعال کارگری که دستگیر میشود چه کرده است که آزادی او از زندان باید مراحل قانونی خود را طی کند. طی شدن مراحل قانونی، یعنی اینکه ما نیز پذیرفته ایم که مبارزه برای حقوق برحقمان جرم است. یعنی اینکه پذیرفته باشیم که کارگر حق تشکل و تجمع و اعتراض ندارد و یعنی قبول شرایط برده وار کار که امروز به کل کارگران در ایران تحمیل شده است. طی شدن مراحل قانونی همچنین به معنی اینست که کارگران به جای متکی شدن به قدرت اتحاد و مبارزه خود، به حل مسایلشان در چهارچوب قوانین موجود که به طور واقعی هیچ حق و حقوقی برای کارگر به رسمیت نمی شناسد، چشم بدوزند و شوراها و اسلامی و خانه کارگر ساهمات تلاش دارند تا مبارزه کارگران را به این راه بکشانند. اما بطور واقعی امروز کارگران از همه اینها عبور کرده اند و ما شاهد گسترش هر روزه مبارزات کارگری و تعرضی تر شدن این مبارزات هستیم.

انترناسیونال: تا همین الان مبارزه کارگران واحد به یک مسئله مهمی تبدیل شده است. چه دلایل و زمینه هایی این اعتراض را به یک حرکت مهم و تاثیرگذار تبدیل کرده است؟

شهلا دانشفر: دلایل آن روشن است. همانطور که قبلاً اشاره کردم یک فاکتور مهم اینست که این مبارزات دارد در تهران صورت میگیرد. رانندگان شرکت واحد با همه مردم در ارتباطند و این خود جایگاهی کلیدی به حرکت و اعتراض آنها میدهد. ۱۲ هزار کارگر شرکت واحد با ۵ هزار کارکنان دیگر این بخش نیروی عظیمی است که دیدیم چگونه با اعتصاب خود توانستند کل جامعه را متوجه خواسته های خود کنند. بنابراین روشن است که چرا اعتراض این کارگران به چنین مساله مهمی تبدیل شد. علاوه بر این ما هم اشاره کردم که خواسته هایی که این کارگران امروز دارند طرح میکنند، خواسته های کل کارگران است و این موضوع جایگاه مهمتری به اعتراضات کارگران شرکت واحد میدهد. و خلاصه اینکه همه این اتفاقات دارد در متن یک اوضاع سیاسی متحول جامعه اتفاق می افتد. بطور مثال ما امروز شاهد گسترش هر روزه اعتراضات کارگری هستیم، اعتراضات تمام بخش های

جامعه را در برگرفته است و خواسته‌ها و مطالباتی که از سوی این اعتراضات طرح میشود خواسته‌های رادیکال و تعرضی است. خواسته‌هایی است که هر روز شکل سراسری تری بخود میگیرد و در متن چنین شرایطی است که اعتراضات کارگران شرکت واحد جریان دارد و به همین دلیل با استقبال و حمایت گسترده مردم روبرو میشود و همه سرها بطرف کارگران شرکت واحد خم شده است.

انترناسیونال: شکست و پیروزی این مبارزه قطعه در موقعیت طبقه کارگر نقش جدی خواهد داشت. برای به پیروزی رساندن این مبارزه روی چه فاکتورهایی باید تاکید کرد؟

شهلا دانشفر: دقیقاً همینطور است. این مبارزات بدلیل جایگاه ویژه آن تاثیر مهمی بر اعتراضات طبقه کارگر دارد. اگر رژیم موفق شود که این اعتراضات را عقب براند. اگر همین وقت خریدن ها صفوف کارگران را متفرق کند، بدون شک ما شاهد تهاجمی شدید تر نه تنها به این کارگران بلکه به کل کارگران و کل جامعه خواهیم بود. اما همانطور که قبلاً هم گفتیم من به موفقیت های این مبارزات بسیار امیدوارم. زیرا همانطور که گفتیم امروز کارگران شرکت واحد در موقعیت بسیار قدرتمند تری نسبت به گذشته قرار دارند، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و کل جامعه را در کنار خود دارند. حزب کمونیست کارگری را کنار خود دارند. حمایت سازمانهای بین المللی را دارند و اینها فاکتورهایی است که به این مبارزات شانس پیروزی بالایی میدهد. اما مساله اصلی اینست که فعالین و رهبران این اعتراضات این نقاط قوت را بشناسند و به آن متکی شوند. مساله اصلی اینست که کارگران شرکت واحد همانطور که تاکید کردم تنها و تنها به نیروی اتحاد و مبارزه صفوف خود متکی شوند، وسیعاً در این مبارزه دخیل شوند، مجمع عمومی را پایه حرکت خود قرار دهند و به علاوه به حمایت گسترده بین المللی کارگری اتکا نمایند. این تنها افق روشنی است که در مقابل این کارگران میتوانست قرار گیرد و باید در این جهت حرکت کرد. *

از صفحه ۱ مردم فیض آباد به مبارزه ...

شد. ماموران شهرداری به زور و با تهدید صدها زن و کودک را از خانه هایشان بیرون کشیدند و در برابر چشمان حیران و متعجب مردم با لودر و ماشین آلات ویژه امر تخریب خانه های مردم را با خاک یکسان کردند. مردم این محله که غافلگیر شده شروع به مقاومت در برابر ماموران شهرداری کرده و با آنها درگیر می شوند. در تمام طول شب کشمکش و درگیری بین مردم و ماموران شهرداری ادامه داشته است و با روشن شدن هوا ماموران محل را ترک می نمایند. صبح روز دوشنبه ۵ دیماه با پخش خبر تخریب خانه های مردم محله فیض آباد مردم دور هم جمع شده و تصمیم می گیرند که در برابر این اقدامات ضد انسانی شهرداری ساکت ننشسته و مبارزه ای گسترده ای را سازمان بدهند.



هنگام نیروهای انتظامی رژیم منطقه فرمانداری را بشدت تحت کنترل داشته و همه جا نیروهای ویژه گماشته و جلوی پیوستن مردم را به تجمع اعتراضی مردم

گروسی برای ساکت کردن مردم جرات کرده از دادگستری بیرون آمده و اعلام می کند که اینجا اشتباهی رخ داده است ما شکایت شما را بررسی می کنیم. مردم از گرفتن این جوابها و وعده های تو خالی خسته شده و به آنها باوری ندارند. مردم تصمیم می گیرند که روز جمعه ۹ دیماه از محله فیض آباد به طرف مسجد جامع که اکثر مقامات دولتی آنجا حضور دارند راهپیمایی کنند. اخبار این راهپیمایی وسیعا در سطح شهر پخش می



شد و جوانان و مردم سر ساعت اعلام شده در محله فیض آباد تجمع می کنند.

مسئولان رژیم که از گسترش ابعاد اعتراض مردم سراسیمه شده اند و ترس از گسترش این اعتراضات و سرایت به تمام شهر باعث می شود که نمایندگان مجلس رژیم امین شعبانی و هوشنگ حمیدی در این روز خود را به سنجند رسانده و به محله فیض آباد می روند و تلاش می کنند که مردم را آرام کنند.

نمایندگان اعزامی رژیم در صد بوده و هستند که مردم را ساکت نموده و با تکرار قول و قرارهای قاضی گروسی و موضوع رسیدگی به شکایت مردم از شهرداری از راهپیمایی به مرکز شهر و به طرف مسجد جامع منصرف کنند. مردم مدام بر علیه استانداری و شهرداری شعار داده و خواهان پرداخت خسارت و اسکان فوری مردم بی سرپناه می باشند. تمامی جریان این اعتراض و مبارزه مردم توسط مردم محله فیض آباد فیلم برداری شده و برای ما ارسال گردیده است. صحنه هایی از هو کردن شعبانی تا

شعارهای که علیه کل سران رژیم داده میشود. این فیلم که گوشه هایی از اعتراضات مردم و همچنین بیش از ۱۵۰ خانه ای که ویران شده و در عین حال مصاحبه با مردم این محله آماده و برای حزب کمونیست کارگری ایران ارسال می شود تا از شبکه کانال جدید پخش شود. رفته رفته بر تعداد جمعیت افزوده می شود. تجمع این روز بیش از هزار نفر است نیروهای انتظامی دیگر اجازه نمی دهند مردم به محوطه وارد شوند و در واقع از روز جمعه ۹ دی ماه کل این محله را با سیم خاردار و زنجیر بسته و فقط به ساکنین این محله اجازه ورود را می دهند. مردم معترض یک صدا به نمایندگان رژیم می گویند که ما تا پرداخت خسارات و محاکمه کسانی که خانه هایمان را بر سر کودکانمان خراب نموده از پا نخواهیم ایستاد. در اثر اعتراضات گسترده مردم دادگستری اعلام می کند که ما کارشناس خواهیم فرستاد و دولت باید خسارات وارده را به مردم پرداخت نماید. اعتراضات مردم هر روز ادامه دارد.

روز پنجشنبه ۱۵ دیماه مردم این محله مجددا در مقابل استانداری تجمع کرده و نسبت به عدم پاسخگویی مقامات استانداری و بی تفاوتی مسئولین اعتراض می کنند. در اثر اصرار و پافشاری معترضین استاندار جدید معاونش را به میان مردم می فرستد و اعلام می کند استاندار جدید تعهد کرده اند که روز دو شنبه همراه نمایندگان شهر و هیاتی به محل آمده و وضعیت را بررسی خواهند کرد. این تعهد هم از جانب سپهر معاون استاندار جدید اسماعیل نجار هم وعده و وعیدی بیش نبوده. روزهای ۱۷ و ۱۸ دیماه مردم منتظر می شوند. روز ۱۹ دیماه مردم مجددا در مقابل استانداری تجمع می کنند و طی اعتراضات خود و خواهان بررسی خواسته های خود می شوند.

از اوایل این هفته مقامات رژیم در پاسخ به اعتراضات مکرر مردم و پافشاری شان بر روی خواسته هایشان بی شرمانه شروع به تهدید مردم کرده اند. در این رابطه شهرداری و اداره بقیه خانه های مسکونی این محله را نیز با خاک یکسان نمایند. این تهدید هم نتوانسته مردم و مبارزانشان را عقب بزند. مردم دارند برای مقابله با این تهدیدات آماده می شوند. برای

نمونه مردم محله و جوانان شهر شهاب در محل نگهبانی می دهند تا اگر مزدوران رژیم درصدد حمله دیگری به قصد تخریب خانه های مردم بیایند به رویارویی پردازند. کشمکش بین مردم این محله و ارگانهای دولتی ادامه دارد. مردم و گروههایی از جوانان در محل مشغول طرح و سازمان دادن مقاومتها و مبارزات آتی می باشند.

در این میان یک وظیفه بزرگ و انسانی بر دوش مردم آزادیخواه شهر سنجند قرار گرفته و آن سازماندهی حمایت و جلب پشتیبانی وسیع مردم شهر در حمایت از مبارزات مردم این محله می باشد. از این مبارزات باید حمایت کرد. این مردم نباید تنها بمانند. باید اقدامات و طرح هایی از طرف فعالین عملی و سازماندهندگان این اعتراضات در دستور گذاشته شود تا این مبارزات به نتیجه برسد. تا همینجا و علیرغم مبارزات وسیع و گسترده هنوز مردم نتوانسته اند به خواسته هایشان برسند. در این راه باید این مردم را کمک کرد. باید کل محله و کل شهر

یکدست و یکصدا در حمایت از این مردم و خواسته هایشان به میدان بیاید. تنها با مقاومت و اتحاد و مبارزه است که مردم می توانند حق شان را از جمهوری اسلامی گرفته و جانیان اسلامی را عقب بزنند. خواسته های مردم روشن است پرداخت خسارت و اسکان فوری و محاکمه مسئولین تخریب خانه های مردم. مردم مصمم بوده و هستند که با مبارزاتشان ادامه بدهند. آنها هر روز با ما تماس می گیرند و آخرین گزارشات و اخبار و اتفاقات روی داده را به ما گزارش می دهند. ما هم به نوبه خود سعی در انعکاس اخبار اعتراضات و مبارزاتشان و رساندن آن به گوش مردم هستیم.

امروز بیش از ۳ هفته است از این واقعه می گذرد و هنوز مردم در سرمای زیر صفر درجه و بیش از نیم متر برفی که بر زمین نشسته است در این ویرانه زندگی می کنند. امروز باید ابعاد حمایت از مردم محله فیض آباد بیش از هر زمانی دیگری باشد و این مردم را باید لحظه به لحظه حمایت و پشتیبانی نمود. مردم شهر سنجند امروز باید بیش از هر زمانی در اعتراضات مردم محله فیض آباد شرکت کرده و

نامه خلیل کیوان به اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسان



به دادگاه بکشاند. بعلاوه دفتر سندیکای آنها همچنان بسته است. کارگران علاوه بر آزادی فوری منصور اسانلو، خواهان انحلال شوراهاى اسلامى، انعقاد قراردادهای دسته جمعی، به رسمیت شناسی حق تشکل آزاد و مستقل از دولت و افزایش بالای دستمزدها هستند.

بعلاوه در جریان هستید که ۵ نفر از فعالین اول مه سفر، محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، محمد عبلی پور و برهان دیوارگر نیز مدتی قبل به زندان و تبعید محکوم شدند. علیرغم اعتراضات وسیع به جمهوری اسلامی در ایران و در سطح بین المللی، این احکام هنوز لغو نشده است. جمهوری اسلامی همچنین در ماههای اخیر فشار بر دانشگاهها در جهت اسلامی کردن محیط دانشگاه و آپارتاید جنسی و حجاب اجباری را بشدت افزوده است. خواست لغو احکام زندان فعالین اول مه سفر و لغو فشار بر دانشجویان و الغای آپارتاید جنسی و حجاب اجباری به خواستهای سراسری و مهم کارگران و

دانشجویان در ایران و سازمانهای کارگری در سراسر جهان میبینند و خود را برای مبارزه ای گسترده تر آماده تر میکنند و همچنان روی حمایت شما حساب میکنند.

دوستان عزیز

اجازه دهید از همبستگی پرشورتان با کارگران شرکت واحد و محکومیت جمهوری اسلامی از جانب شما، عمیقاً قدردانی کنم. ثانیاً خواهان افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی برای آزاد کردن منصور اسانلو و پذیرش خواستهای برحق آنان شوم. اکنون، پس از گذشت نزدیک به سه هفته، مبارزه داغی در تهران در جریان است. جمهوری اسلامی مدام به اذیت و آزار آنان مشغول است، دستگیر میکنند، اجازه تجمع به آنها نمیدهد و در مقابل کارگران به اشکال مختلف اعتراضشان را ادامه داده اند و خود را برای رودروئی بزرگتر آماده میکنند. جمهوری اسلامی علاوه بر اسانلو برای تعدادی از فعالین کارگری پرونده سازی کرده است تا هروقت شرایط را مساعد دید آنها را

نگهدارد. در طی این مدت، کارکنان واحد توطئه ها و وعده های مقامات رژیم را خنثی کرده اند، چند همایش وسیع بر پا کردند و به این ترتیب تاریخ شورانگیزی در دفاع از حقوق حقه خود و برای کارگران و همه مردم ایران به ثبت رساندند. دوستان خود را که به دفعات مختلف دستگیر شدند آزاد کردند اما منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا همچنان بدون هیچ اتهامی در زندان بسر میبرد. مبارزه کارکنان شرکت واحد برای آزادی او که از نظر جسمی در وضعیت خطیری بسر میبرد و سایر خواستهایشان ادامه دارد. اسانلو از روز ۲۲ دسامبر در زندان است، ناراحتی قلبی دارد و همین دو روز قبل موعد عمل چشم او بوده است، اما جمهوری اسلامی اجازه نداد به بیمارستان برود. چشم او در اثر ضربات عوامل خانه کارگر و شوراهاى اسلامى که از باندهای سیاه حکومت اسلامی در مراکز کارگری هستند، آسیب دیده است. کارگران واحد خود را در حلقه ای از حمایت مردم تهران، کارگران و

۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

در ضرورت اقدامات گسترده تر برای آزادی اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و در حمایت از مبارزات آنها و لغو احکام دادگاه سفر علیه فعالین اول مه

به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری

به کلیه اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسان

دوستان عزیز

با نامه قلبی به تاریخ ۲۳ دسامبر به اطلاع شما رساندیم که روز ۲۲ دسامبر جمهوری اسلامی با یورش به منازل اعضای هیئت مدیره سندیکای کارکنان شرکت واحد در تهران ۱۲ نفر از آنها را دستگیر کرد. در این رابطه کمپین گسترده ای در سطح جهان در حمایت از کارکنان واحد شروع شد که همچنان ادامه دارد. "کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری" تلاش کرد با صدور مداوم اطلاعیه های خبری که تاکنون ۸ شماره آن صادر شده است، شما را مداوماً از مسائل مربوط به این مبارزه مطلع

با احترام و آرزوی موفقیت برای شما
دبیر تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

خلیل کیوان

پلاتفرم برای سازمان دادن یک موج تعرض گسترده علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور

سنگسار، و با منعکس کردن این فعالیتها و کمپین ها رو به جامعه ایران و مرتبط کردن آن با اعتراضات و مبارزات کارگران و مردم در داخل کشور، موج تعرضی همه جانبه ای علیه جمهوری اسلامی در یک سطح جهانی و بویژه در کشورهای غربی سازمان بدهد.

حزب کمونیست کارگری همه نیروهای مترقی و انسان دوست در سراسر جهان را به پیوستن به این مبارزه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ ژانویه ۲۰۰۶

سکولار، نهادها و شخصیتهای آزادیخواه و بشر دوست، و سازمانها و اتحادیه های کارگری، و با بکار گرفتن تمام امکانات و توان خود در خارج کشور برای تحقق هر چه سریعتر اهداف فوق خواهد کوشید.

مشخصاً حزب تلاش خواهد کرد تا با باز کردن پرونده جنایات و دزدیها و چپاولگریها ی سران جمهوری اسلامی در برابر جهانیان، با رساندن فریاد اعتراض مردم ایران بگوش جهانیان، با گسترش بیش از پیش کمپین علیه اسلام سیاسی، علیه آپارتاید جنسی، و علیه اعدام و

سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی قطع رابطه دیپلماتیک دولتتها با جمهوری اسلامی. تحریم سیاسی و نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی. بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها.

محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت در یک تریبونال بین المللی.

حزب با بسیج نیروی افکار عمومی مردم جهان، سازمانها و احزاب مدافع حقوق زن، نیروهای

اسلامی بدون هیچ توجیه و استتار و ظاهرسازی ای و به شکل غریبان و آشکار در برابر جهانیان قرار گرفته است و ازینرو زمینه برای تعرض بیشتر و وسیعتر به جمهوری اسلامی در خارج کشور بیش از پیش فراهم شده است. در این شرایط حزب کمونیست کارگری در ادامه سیاست همیشگی خود دایر بر طرد و بیرون راندن حکومت جمهوری اسلامی از جامعه جهانی، مشخصاً تحقق اهداف زیر را در محور فعالیتهای خود در خارج کشور قرار میدهد:

یک عرصه همیشگی فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور مبارزه برای افشا و طرد جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم جنایتکار و سرکوبگر در افکار عمومی جهانی و در نزد ارگانهای بین المللی و دولتها بوده است. در شرایط امروز با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و ورشکسته شدن و کنار رفتن کامل دو خرداد، که خود نتیجه مستقیم بالا گرفتن اعتراضات و تعرض مردم به کلیت رژیم جمهوری اسلامی بود، ماهیت ضد انسانی و فوق ارتجاعی جمهوری

از صفحه ۷ مردم فیض آباد به مبارزه ...

خواسته های مردم و برعلیه جمهوری اسلامی به میدان آمد. تا دیر نشده و تا این جنایات قربانیان دیگری از مردم زحمتکش نگرفته باید به پاخواست و جمهوری اسلامی را زیر منگنه اعتراضات گسترده قرارداد. *

طریقی مورد حمایت قرار بدهند و نامه های حمایتی شما می تواند گرما بخش مبارزات مردمی باشد که در سرمای زیر صفر درجه هر روز در خیابانها به کلیت این نظام کثیف سرمایه داری اعتراض می کنند. باید یکصدا و متحد در حمایت از

اعلام نمایند. مردم سنج می دانند تنها راه پیروزی قطعی شرکت وسیع در این اعتراضات است و حمایت از خواستهای بر حق مردم محله فیض آباد.

همینجا از همه مردم می خواهیم که مبارزات مردم را به هر

خواسته های مردم و مبارزاتشان حمایت کنند. هر روز از طرف کارخانه ها کارگاهها و شرکتهای به این محله رفته و نشانه های همبستگی خود با مبارزات آنها را

از این مبارزات حمایت کنند. برای مثال مردم هر محله می توانند به نشانه همبستگی و حمایت پلاکارتی را به این سیم های خاردارها و زنجیرها وصل نموده و در آن از

نامه شهلا دانشفر

به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری

شهلا دانشفر، هماهنگ کننده کمیته بین المللی همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری
رونوشت به: سازمانهای کارگری در سراسر دنیا

۱۰ ژانویه ۲۰۰۶

دوستان عزیز!

شما بدقت در جریان اعتراضات کارگران شرکت واحد تهران هستید و تاکنون به گرمی از آنها حمایت کرده اید. همچنین شما با ارسال نامه های اعتراضی متعدد بارها جمهوری اسلامی ایران را بدلیل نقض حقوق پایه ای کارگران بشدت محکوم نموده اید. ضمن قدردانی از این تلاش ها میخوام توجه شما را به یکی از خواسته های مهم کارگران شرکت واحد که در واقع خواست همه کارگران ایران است جلب کنم. این خواست عبارت است از: انحلال شوراهای اسلامی و برسمیت شناختن حق تشکیل آزاد و مستقل از دولت!

با اینکه می دانم که نقش و عملکرد شوراهای اسلامی کار بر شما پوشیده نیست، مایلم قدری در باره پیشینه و کارکرد این نهاد ها بیشتر توضیح دهم. شوراهای اسلامی کار بدنبال سرکوب خونین اعتراضات و تشکل های واقعی کارگران توسط جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۶۳ شکل گرفتند.

(شوراهای اسلامی یک مرکز هماهنگی و هدایت در سراسر کشور دارند که "خانه کارگر" نامیده می شود) مطابق قانون مصوب شوراهای اسلامی کسانی حق انتخاب شدن در شوراهای اسلامی را دارند که معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باشند و صلاحیت آنها قبلا توسط "هیئت تشخیص" که در واقع توسط وزارت کار و مراجع پلیسی انتخاب می شود، تایید شده باشد. این قانون آشکارا شورای اسلامی را موظف

کرده است که هرگونه تشنج و وقایع ناگوار را به مقامات مربوطه گزارش کنند. وظیفه شوراهای اسلامی همکاری با مدیریت، بالا بردن تولید و حفظ نظم و انضباط و اخلاق اسلامی در محیط کار تعیین شده است. عملکرد شوراهای اسلامی و خانه کارگر بعنوان تشکل های فرمایشی دولتی نیز در این سالها بر کسی پنهان نبوده است. کار این ارگانها شناسایی و پیگرد فعالین و رهبران کارگری، ایجاد تفرقه در میان کارگران و کنترل اعتراضات کارگری در جهت منافع کارفرمایان و دولت و بالاخره آلترناتیو و مانع دولت در برابر تلاشهای کارگران برای متشکل شدن بوده است. حتما بعنوان نمونه خبر دارید که در تاریخ ۱۹ اردیبهشت (۹ مه ۲۰۰۵) این افراد بلند پایه شوراهای اسلامی و خانه کارگر بودند که اعضای سندیکای شرکت واحد را مورد ضرب و شتم بیرحمانه قرار دادند. و با زخم می دانید که در همین تهاجم بود که یکی از چشمان آقای منصور اسانلو آسیب دید. شوراهای اسلامی از همان بدو تشکیل خود با نفرت و انزجار بخش وسیعی از کارگران روبرو بودند و کارگران بارها خواستار انحلال آن شده اند که کارگران شرکت واحد یکی از نمونه های آخر و بارز آن است.

علیرغم این نقش مخرب و بازدارنده شوراهای اسلامی و خانه کارگر و علیرغم وجود اعتراض گسترده کارگران بر علیه آنها، متاسفانه این نهادها بعنوان "نمایندگان کارگران ایران" در سازمان بین المللی کار عضویت دارند. این موضوع تا کنون بارها با اعتراض کارگران ایران روبرو شده است. کارگران ایران از جمله با ارسال یک تومارنامه اعتراضی به سازمانهای کارگری جهان و ای، ال، او که امضای نزدیک به ۲۴۰۰ تن از کارگران و فعالین کارگری ایران را بهمراه داشت خواستار حضور نماینده های مستقل کارگران در مجامع بین المللی شده اند. همچنین خواست اخراج شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار از سوی بخشهای مختلف کارگران ایران

نامه حمید تقوائی به دبیر کل سازمان ملل

آزادیهای مردم در جمهوری اسلامی است.

تا کنون سازمان عفو بین الملل، کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری، و سازمانها و اتحادیه های متعدد کارگری در انگلستان، آلمان، فرانسه، اسکاندیناوی، اتریش، استرالیا، کانادا و آمریکا به این اقدام دولت ایران اعتراض کرده و خواستار آزادی اسانلو شده اند.

جناب آقای کوفی عنان از شما درخواست میکنم که بازداشت منصور اسانلو را قاطعانه محکوم کنید و تمام امکاناتتان را بکار بگیرید تا جمهوری اسلامی سریعاً بدون قید و شرط او را آزاد کند.

با احترام
حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ ژانویه ۲۰۰۶

از صفحه ۳ کارگران واحد و حداقل دستمزد

شد، باید برافراشته تر شود و نیروی بیشتری زیر این پرچم به حرکت درآید. از همه واحدهائی که از خواست ۴۵۰ هزار تومان حمایت کردند انتظار می رود حول خواست کارگران شرکت واحد برای حداقل ۵۰۰ هزار تومان دستمزد دست به کار شوند و واحدهای دیگری را به حرکت درآورند. از کاشان و اصفهان تا تبریز و سمنجان، از اهواز و آبادان تا شیراز و مشهد و شهرهای شمال ایران، از اراک و قزوین تا تهران و همه جا، از نفت و پتروشیمی ها تا کارگران عسلویه، آب و برق و شهرداریها، نساجی ها، ماشین سازی ها، فلزکارها، ذوب آهنی ها و همه مراکز صنعتی، از معلمان و پرستاران، از کارمندان و هر حقوق بگیر زحمتکشی در همه جا یک صدا و متحد خواست حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان را که توسط واحد یک وزنه سنگین برای طرح خواسته های پایه ای طبقه کارگر بشمار میآیند و نقش مهمی به دوش آنها افتاده است.

پرچی که سال قبل توسط کارگران کاشان و سایر مراکز کارگری بلند

جناب آقای کوفی عنان
دبیر کل سازمان ملل متحد

شاید مطلع باشید منصور اسانلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتویوسرانی تهران و حومه در تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵ بوسیله دولت جمهوری اسلامی دستگیر شده و در زندان به سر میبرد.

وی از لحاظ جسمی در وضع خطیری قرار دارد، ناراحتی قلبی دارد و از بیماری جدی چشم نیز در رنج است. اسانلو جرمی بجز طرح خواسته های پایه ای کارگران مرتکب نشده است. رژیم اسلامی ایران تا کنون هیچ علتی برای بازداشت و زندانی کردن اسانلو ذکر نکرده و حتی حق داشتن وکیل را نیز از او دریغ کرده است. ظاهراً اتهام و جرم اسانلو تنها اینست که یک فعال کارگری بوده است. این یک نمونه بارز نقض ابتدائی ترین حقوق و

برنامه های زنده تلویزیون انترناسیونال علناً اعلام کرده اند. امیدواریم کارگران شرکت واحد در شرایطی قرار گیرند که در فراخوانها و اطلاعیه هایشان علنی و صریح این خواست را مطرح کنند. اکنون چشم ها بطرف آنها دوخته شده است و طرح این خواست از جانب آنها، که خواست همه کارگران، همه معلمان و پرستاران و کارمندان جزء ادارات است، آنها را بعنوان پرچمدار مبارزه برای افزایش دستمزد سال ۸۵ به جامعه معرفی میکنند. چنین اقدامی هم موقعیت سندیکا را در مقابل شورای اسلامی شرکت واحد تقویت میکند، هم آنها را در موقعیت بهتری برای مبارزه حول افزایش حداقل دستمزد قرار میدهد و هم کل جنبش کارگری را بر سر این خواست متحد میکند و به حرکت درمیآورد. اکنون کارگران شرکت واحد یک وزنه سنگین برای طرح خواسته های پایه ای طبقه کارگر بشمار میآیند و نقش مهمی به دوش آنها افتاده است.

پرچی که سال قبل توسط کارگران کاشان و سایر مراکز کارگری بلند

همزمان با برگزاری اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۰۵ مطرح شد. ما نیز همصدا با همه کارگران ایران همین خواست را دنبال کرده ایم. لازم است یادآوری کنم که روز ۳۰ ماه مه سال ۲۰۰۰ همزمان با برگزاری هشاد و هشتمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، میتیونگ بزرگی برای خروج نمایندگان جمهوری اسلامی ایران از این سازمان توسط ما در ژنو برگزار شد.

اکنون که ۱۷ هزار تن از کارکنان و کارگران شرکت واحد خواست انحلال شوراهای اسلامی را با صدای رسا در اعتراضات خود مطرح کرده اند، جا دارد که ما مجدداً بر مریمیت و اهمیت خروج جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کنیم. ادامه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی در سازمان بین المللی کار از نظر رژیم و این نهادها بمنزله اعتبار و مشروعیت برای آنها تلقی می شود. این برای شوراهای اسلامی به دستاویزی تبدیل می گردد تا از تلاش مستقل کارگران ایران برای تشکل یابی - منجمله سندیکای واحد - جلوگیری کنند و به نقش مخرب و سرکوبگرانه خود در اتباط با جنبش کارگری ایران ادامه دهند. از همین رو از شما انتظار می رود که در ادامه پشتیبانی های گرمتان از کارگران ایران، همصدا با آنها نهایت تلاش خود را برای خروج جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار بکار گیرید. این به نوبه خود بزرگترین کمک به کارگران ایران برای پی ریزی تشکل های آزاد و مستقل از دولت است تا بتوانند در مجامع بین المللی به نمایندگی از کارگران ایران حضور یابند.

با احترام
شهلا دانشفر

۲۱ دی ۸۴ - ۱۱ ژانویه ۲۰۰۶

از صفحه ۱

ستون اول

حرفه‌ای جابجا میشوند. در "قمار" سیاسی حکومت اسلامی و دول غرب، زندگی نسلهای وسیع انسانی رقم می‌خورد. این بازی با زندگی مردم است. و دقیقاً به همین خاطر، مردم منطقه و مشخصاً مردم ایران باید قبل از اینکه دیر شود این بازی با زندگیشان را روی سر هر دو بازیکن خراب کنند.

جمهوری اسلامی فعالیت‌های مرکز امنی نظیر را یکباره شروع و اعلام کرد به "تحقیقات صلح آمیز" هسته ای اش ادامه خواهد داد. وزرای خارجه سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه هم در بیانیه مشترکی با اشاره به "سابقه مستند پنهانکاری و تقلب ایران"، اعلام کردند که جمهوری اسلامی "مصمم است به روابط بهتر با جامعه بین الملل پشت کند." و لازم است موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود و اقدامات عاجل در مورد این اقدام جمهوری اسلامی اتخاذ شود. و خیلی جالب است اولین اقدامی که به ذهن این دولت‌ها می‌رسد تحریم اقتصادی است. یعنی اقدام علیه زندگی مردم ایران. اینها از تحریم سیاسی حرف نمی‌زنند. اینها از اقدامات سیاسی علیه جمهوری اسلامی هنوز سخنی نمی‌گویند.

دنیایی از ریاکاری سیاسی در همین جمله "روابط بهتر با جامعه بین المللی" نهفته است. مگر جمهوری اسلامی اصلاً ارزشی به جامعه انسانی و جامعه بین المللی قائل بود که با این کارش به آن پشت کند؟ در قاموس سیاسی سرمایه داری جهانی، جامعه بین المللی اشاره به مردم جهان از جمله مردم ایران ندارد. در ادبیات سران این حکومتها، جامعه بین المللی یعنی دول غرب. یعنی ملاحظاتی و ملزومات و نیازها و اهداف و برنامه‌ها و استراتژیها و منافع این دولت‌ها. به این معنا، واکنش این دولت‌ها در قبال پروژه امنی رژیم اسلامی تماماً از منافع اقتصادی و سیاسی همین دولت‌ها تبعیت کرده است و خواهد کرد. و به همین معنا، در ۲۷ سال گذشته، دول غرب و جمهوری اسلامی بر سر مسائل زیادی با زندگی مردم "قمار" کرده‌اند و بلوف زده‌اند و دست‌های دیگر خوانده‌اند و از مردم پنهان کرده‌اند و به مردم دروغ گفته‌اند و در رابطه با پروژه

امنیتی هم به همین سیاق پیش خواهند رفت.

اجازه بدهید جهان لاس وگاسی روزنامه‌های غرب را پشت سر بگذاریم و به اصل مسئله بپردازیم. در یک جمله، جمهوری اسلامی می‌خواهد به بمت اتم مجهز شود و غرب می‌خواهد از تجهیز جمهوری اسلامی به بم اتم ممانعت کند. رفتار هر دو طرف بر سر پروژه اتمی، بلوفها و مذاکره‌ها و معاملاتشان بر سر این موضوع دلایل سیاسی واقعی دارد و هر دو طرف روی اهرمهای سیاسی واقعی حساب میکنند. این اصل مسئله است.

جمهوری اسلامی روی بمب سیاسی ویرانگری دراز کشیده است: بمب انفجارهای اجتماعی و سیاسی. بمب انقلاب. اگر جمهوری اسلامی روی خود بمب اتم برای سرکوب مردم حساب نمی‌کند حداقل روی جنجال بمت اتم برای به عقب انداختن انفجار سیاسی حساب باز کرده است. روی این حساب میکند که جنجال بمب اتم شاید بتواند مثل عملیات مجاهدین در ۳۰ خرداد، ماجرای سلمان رشدی، جنگ ایران و عراق، یک "مانده آسمانی" شود. شاید بتواند تحریم اقتصادی غرب را مسبب فلاکت اقتصادی مردم معرفی کند؛ شاید بتواند به پنهان "کشور در خطر" است" اختناق سیاسی راه بیاندازد و اعتراضات کارگران و مردم را بخواباند؛ شاید بتواند بر غرور ملی

اپوزیسیون ناسیونالیست حساب باز کند و پشتش بسیج کند. (در این مورد اشتباه نمی‌کنند. طیف اپوزیسیون ناسیونالیست قبلاً بارها این ظرفیت را از خودش نشان داده است. آخرین نمونه اظهارات داریوش همایون است که صریحاً گفت اگر به ایران حمله شود در کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت.) علاوه بر این جنبه‌های داخلی، مجهز شدن به بمب اتم، جمهوری اسلامی را در سطح دیپلماسی بین المللی و امتیاز گیری در موقعیت قدرتمندتری قرار میدهد. حکومتی که در داخل روی بمب خوابیده است، حکومتی که در کابوس فروپاشی غرق است، با مجهز شدن به بمب اتم می‌خواهد قدرت منطقه‌ای باشد و تحقق این کابوس را به عقب بیاندازد.

جمهوری اسلامی روی اهرمهای سیاسی واقعی حساب میکنند. و

یکی از مهمترین این اهرمها، موقعیت سیاسی اش در عراق است. عراق اولین آزمایشگاه نظم نوین جهانی است. شکست و پیروزی آمریکا در عراق، میتواند شکست و پیروزی پروژه نظم نوین را رقم بزند. جمهوری اسلامی میتواند با اتکا به دست پرورده‌های خودش مثل مجلس اعلائی انقلاب اسلامی و فرقه‌های دیگر اسلامی که به یمن از هم پاشیدن شیرازه اجتماعی و سیاسی این جامعه بعد از تهاجم نظامی آمریکا میداندار شده‌اند موی دماغ آمریکا شود. دقیقاً به همین علت عراق به مرکز اصلی معامله سیاسی ایران و غرب تبدیل شده است. در نتیجه همین مماشات سیاسی، اسلاميون سر به جمهوری اسلامی، ستونی از عمارت دولت قومی- مذهبی نظم نوین در عراق شده‌اند.

آمریکا و غرب از یکطرف و جمهوری اسلامی از طرف دیگر، هنوز در رابطه با پروژه اتمی رژیم اسلامی، روی سرنوشت مردم خاورمیانه و ایران "قمار" خواهند کرد. به همدیگر بلوف خواهند زد، به همدیگر دروغ خواهند گفت، به همدیگر بازو نشان خواهند داد، با هم روبوسی خواهند کرد، به هم تعرض خواهند کرد و در مقابل هم عقب نشینی خواهند کرد. هر دو نگران حیات سیاسی خود هستند. جمهوری اسلامی نگران اصل موجودیتش است. آمریکا نگران نظم نوینش.

تنها یک اتفاق میتواند این بده و بستان سیاسی را کاملاً بی‌موضوع کند: به پایین کشیدن جمهوری اسلامی. این به عهده ما مردم ایران، ما کارگران و جوانان، ما زنان، ما حزب کمونیست کارگری است که قبل از اینکه دیر شود رژیم اسلامی را سرنگون کنیم و کل این صحنه "قمار" سیاسی بر سر سرنوشت مردم را به هم بزنیم. این بر عهده ماست که اجازه ندهیم منافع دو قطب تروریسم بین المللی، آینده بشریت را تیره کنند. اجازه ندهیم مجادلات و مشاجرات و مماشات دول غرب از یکطرف که خودشان به بمب اتم مجهزند و قبلاً جوامعی را به خاک و خون کشیده‌اند و حکومت اسلامی از طرف دیگر که حتی بدون بمب اتم هم به اندازه کافی برای بشریت مضرت، سرنوشت سیاسی منطقه را تعیین کنند. *

اسانلو باید آزاد شود!

تظاهرات

در حمایت از مبارزات

کارکنان شرکت واحد تهران

مبارزه کارکنان شرکت واحد تهران ادامه دارد. جمهوری اسلامی اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران واحد راهمچنان در زندان نگه داشته و به هیچکدام از خواسته‌های بحق کارگران پاسخ نداده است. در اعتراض به زندانی کردن اسانلو، و در دفاع از مبارزه و مطالبات کارگران و کارکنان شرکت واحد، در تجمعات اعتراضی که به این مناسبت برگزار میشود، شرکت کنید.

مردم آزاده

در تظاهرات شرکت کنید!

خبر آنرا وسیعاً پخش کنید!

دوستان خود را برای شرکت در تظاهرات مطلع کنید!

زمان : شنبه ۱۴ ژانویه

استکهلم

ساعت ۱۳ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تجمع ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه در ایستگاه روبستن

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱

فرانکفورت

از ساعت ۱۱ صبح در مقابل

کنسولگری جمهوری اسلامی ایران

Raimondstr. (Dornbusch)

تلفن تماس: ۰۱۷۳۷۹۳۰۸۸۸

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۹ کارگران واحد و حداقل دستمزد

مهم جدال کارگر با سرمایه دار است. این عرصه مهمی برای بسیج و متحد کردن طبقه کارگر است. وقت زیادی به پایان سال نیست. با تحرك وسیع خود فضا را در دست بگیریم و در هر اعتصابی و در کنار هر خواست دیگری این خواست را مطرح کنیم. همه فعالین کارگری و کارگران پیشرو را به پیوستن به این حرکت فرامی‌خوانم. *

هزار تومان باشد. در واقع باید پرداختی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان ممنوع شود. دست به کار شویم و در مقابل کارفرماها و دولت، در مقابل خانه کارگر و شورا ای اسلامی حداقل دستمزد ۵۰۰ هزارتومان را در قطعنامه‌ها و تجمعاتمان، در نامه‌هایمان به ارگانهای مختلف دولت، در نامه‌های سرگشاده به سازمانهای کارگری بنویسیم و آنرا همه جا تثبیت کنیم. این یک عرصه